



## اشاره به عبارتی از زیارت اربعین امام حسین علیه السلام

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا قَبْرُ ابْنِ حَبِيبٍ وَ صِفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَنَّهُ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتَهُ بِكِتَابِكَ وَ خَصَصْتَهُ وَ ائْتَمَّنْتَهُ عَلَيَّ وَ حَيْكَ وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقِكَ مِنْ الْأَصْفِيَاءِ فَأَعْدِرْ فِي الدُّعَاءِ وَ بَدَلْ مَهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ وَ الْعَمَى وَ الشُّكِّ وَ الْارْتِيَابِ إِلَى بَابِ الْهُدَى مِنْ الرَّدَى وَ أَنْتَ تَرَى وَ لَا تَرَى وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى حَتَّى تَارَ عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِكَ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ الْآخِرَةَ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ الْأَدْنَى

و جانش را در راه تو بذل کرد. تا بندگان را از گمراهی و نادانی و تاریکی و شک و شبهه نجات دهد، و به طرف هدایت و رهائی از هلاکت بکشاند

ابن قولویه. ۱۳۵۶. کامل الزیارات. نجف اشرف: دارالمرتضویه.

- مروی کلی بر مباحث جلسه گذشته
- کمال فعل با توجه به نحوه و جایگاه فاعل
- خلیفه الهی و عمل بر اساس حکمت کامله الهیه
- تحلیل کربلا بر اساس نوع نگرش به جایگاه معنوی و شخصیتی امام حسین علیه السلام
- اشاره به دو سوال درباره نتیجه و هدف امام در قیام عاشورا
  - نتیجه جانفشانی معصوم در قیام کربلا چه بوده است؟
  - آیا معصوم به هدف خود نائل شدند یا خیر؟
- اشاره به دو دیدگاه عمومی درباره قیام کربلا با توجه به مباحث جلسات گذشته
- عبودیت و عبد در فرهنگ اسلام و قرآن
  - اشاره به بحث جبر و اختیار و رابطه آن با مخلوقات
  - تمامی موجودات و فراگیر بودن ربوبیت پروردگار
  - اختصاص مفهوم عبودیت تنها برای موجودات مختار
- رابطه خالق و مخلوق و اقتضائات آن
  - اقتضای وجودی عبد بر مبنای خلقت از طرف خالق
  - شرایط کمال وجودی به اقتضای خلفت
    - شرایط انسان و موجود مختار در درون و بیرون انسان
      - عقل عامل حرکت و صیر به سوی هدف اصلی خلقت
      - شهوت و جهالت عامل نزول رتبه انسانی
- اشاره به گنجینه روایات معصومین علیهم السلام در باب عقل و جهل (جنود)
  - عقل و جهل فرمانده سربازان نفس انسان
  - عقل میتواند در وجود انسان فرمانده قوی در حرکت به سوی مافوق باشد
- روایتی که در این مورد از امام صادق علیه السلام نقل شده است استفاده می شود که مقصود از «روح ایمان» فرشته است.:
- ما من قلب إلا وله أذنان علی إحداهما ملک مرشد ، و علی الأخری شیطان مفتن؛ هذا یأمره، و هذا یزجره... (الکافی: ج ۱ ص ۲۶۶ ح ۱)



• تقسیم بندی عقل انسان به دو جنبه عقل نظری و عملی

○ قدرت عقل نظری در مباحث هست و نیست و درک حقایق هستی

▪ اشاره به سه فضیلت انسان عابد در قرآن کریم

• دانایی و علم اولین فضیلت انسان

○ قسمت از آیه ی ۹ سوره ی زمر هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

○ علم شرط لازم حرکت به سوی کمال است و نه شرط کافی

• مجاهدت و تلاش در راه حق و حقیقت دومین فضیلت انسان ( اشاره به آیه ۹۵ سوره مبارکه نساء )

○ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ

الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ

أَجْرًا عَظِيمًا

○ اشاره به اهمیت و جایگاه عقل و جهل در مجاهدت و کوشایی در راه درست

○ عقل عملی عامل ایجاد جزم و عقل نظری عامل ایجاد عظم

▪ عدم کوشایی انسان نشانه عدم حرکت عقل عملی

• نشانه کمال عبودیت انسان هماهنگی بانظام آفرینش پروردگار در شناخت عقل و مقابله با جهال در مرحله فردی است.

• عقل و جهل انسان در شرایط بیرون و درون وجود

○ عقل انسان عامل شرایط درونی انسان

▪ جهل و نادانی عامل در مقابل عقل انسانی

○ امام معصوم و شرایط بیرونی انسان

▪ شیطان و هوای نفس در مقابل معصوم و روح ایمان

• اهمیت شناخت امام معصوم (ع) در فرهنگ روایت

○ ابن ابی یعفور نقل می کند: از امام صادق(ع) درباره گفتار پیامبر اسلام:

▪ **مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتَتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ؛**

▪ هر فردی که بمیرد در حالی که امامی نداشته باشد، مرگش، مرگ جاهلی است»

▪ پرسیدم که آیا مقصود مردن در حالت کفر است؟ امام صادق(ع) فرمود: مردن در حالت گمراهی است. عرض کردم: هر که در این

زمان هم بمیرد و او را پیشوائی نباشد، مرگش، مرگ جاهلیت است؟ فرمود: آری

• احمد بن حنبل، مسند احمد، ۱۴۲۱ق، ج ۲۸، ص ۸۸.

• ابو داوود، مسند، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۲۵.

• طبرانی، مسند الشامیین، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۴۳۷.

• کلینی، کافی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۵۸.



• بررسی نتیجه حاکمیت جهل و آثار آن با توجه به آیات قرآن کریم

○ مبارزه میان عقل و شهوت با توجه به آیه ۳۳ سوره مبارکه یوسف

○ قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ

- یوسف گفت: ای خدا، مرا رنج زندان خوشتر از این کار زشتی است که اینان از من تقاضا دارند و اگر تو حيله این زنان را از من دفع نفرمایی به آنها میل کرده و از اهل جهل (و شقاوت) گردم
- اشاره به مناجات و استغاثه یوسف (علیه السلام) در مبارزه با هوای نفس
- بنا بر این، معنای آیه چنین است: پروردگارا! اگر من میان زندان و آنچه که اینان مرا بدان می خوانند مخیر شوم زندان را اختیار می کنم، و از تو درخواست دارم که سوء قصد اینان را از من بگردانی، چون اگر تو، کید ایشان را از من نگردانی از جای کنده می شوم و به سوی آنان میل نموده در نتیجه از جاهلان می گردم، زیرا اگر من تا کنون شر ایشان را از خود دور داشته ام به وسیله علمی بوده که تو به من تعلیم فرمودی، و اگر افاضه خود را از من دریغ فرمایی من مثل سایر مردم جاهل می شوم، و در مهلکه عشق و هوسبازی قرار می گیرم.

• جهالت در مقابله عقل عملی فراتر از عقل نظری

○ بررسی نشانه جهل در عقل عملی با توجه به آیه ۸۹ سوره مبارکه یوسف

▪ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ

- گفت: شما برادران یوسف در دوران جهل و نادانی فهمیدید که با یوسف و برادرش چه کردید؟ (۸۹)
- یوسف برادران را به خطایی مخاطب ساخت که معمولا یک فرد مجرم و خطاکار را با آن مخاطب می سازند و با اینکه می دانند مخاطب چه کرده می گویند: هیچ می دانی؟ و یا هیچ یادت هست؟ و یا هیچ می فهمی که چه کردی؟ و امثال اینها، چیزی که هست یوسف (ع) دنبال این خطاب، جمله ای را آورد که بوسیله آن راه عذری به مخاطب یاد دهد و به او تلقین کند که در جوابش چه بگوید، و به چه عذری متعذر شود،

• نقش عقل عملی در معرفت و شناخت در کلام روایت

○ رابطه معرفت خدا و معرفت امام زمان

○ « آيَهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ

رسول الله بآبي أنت و أمي فما معرفة الله قال معرفة أهل كل زمان إمامهم الذي يجب عليهم طاعته »

- امام حسین (ع) فرمود: «ای مردم! خداوند بندگان را آفرید تا او را بشناسند، آن گاه که او را شناختند، پرستش کنند و آن گاه که او را پرستیدند، از پرستش غیر او بی نیاز شوند». (بحار الانوار، ج ۵ ص ۳۱۲ ح ۱)
- شیخ صدوق در تفسیر این روایت می گوید: منظور این است که اهل هر زمان بدانند که خدا آنها را بدون امام رها نکرده است؛ زیرا هر کس خدا را بدون حجت از طرف او عبادت کند، گویا غیر خدا را عبادت کرده است. به نظر می رسد این تفسیر با توجه به قرائن موجود در روایت قابل پذیرش است؛ زیرا امام، معرفت خدا را مقدمه عبادت خدا قرار داده اند.



- البته از نظر عارفان و اهل معرفت، از یک سو ائمه - علیهم السلام - انسان‌های کامل هستند و انسان کامل، کامل‌ترین مظهر خداست. از سوی دیگر، شناخت خدا فقط از راه شناخت مظاهر و تجلیات ممکن است؛ در نتیجه کامل‌ترین راه شناخت خدا، شناخت کامل‌ترین مظهر خدا یعنی شناخت ائمه - علیهم السلام - است.
- بنابراین به روشنی معلوم می‌شود که شناخت امام، از معرفت خداوند جدا نیست؛ بلکه یکی از ابعاد آن است. در دعایی صادر شده از ناحیه مقدسه آمده است:
- «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»؛
- «خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی، پیامبرت را نمی‌شناسم. خدایا! رسول خود را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من نشناسانی، حجت تو را نمی‌شناسم. خدایا! حجتت را به من بشناسان که اگر حجت خود را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم».
- امامت نقش اساسی در حفظ نظام و کمال بشر و حرکت او به سوی خدا و اجرای احکام الهی دارد و اطاعت امر امام، از نظر شرع و عقل واجب است. از این رو در وجوب شناخت امام - بر حسب حکم عقل و شرع - جای هیچ گونه تردید و شبهه‌ای نیست؛ زیرا هم مقدمه اطاعت است و بدون وجوب آن، اطاعت و نصب امام بیهوده خواهد بود، و هم بر حسب آنچه در روایات استفاده می‌شود، بالخصوص واجب است.
- جاهلیت و معنای آن در کلام حضرت صدیقه طاهره علیها السلام
- هر کسی در هر دورانی زندگی می‌کند برای این که از جاهلیت و زندگی جاهلانه رهایی پیدا کند، ناچار است که به اهل بیت رجوع کند چنانکه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها به صراحت خطاب به مهاجرین و انصار این چنین فرمودند:
- ... فَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: إِنَّ الْمُهَاجِرِينَ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ هَاجَرُوا إِلَى دِينِهِ، وَ الْأَنْصَارُ بِالْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ بَدِي الْقُرْبَى أَحْسَنُوا، فَلَا هِجْرَةَ إِلَّا إِلَيْنَا، وَ لَا نُصْرَةَ إِلَّا لَنَا، وَ لَا اتِّبَاعَ إِلَّا بِإِحْسَانٍ إِلَّا بِنَا، وَ مَنْ ارْتَدَّ عَنَّا فَإِلَى الْجَاهِلِيَّةِ.
- هجرت جز به سوی ما نیست و نصرت و یآوری جز برای ما نیست و احسان جز درباره ما نیست و هر کس از ما روی بگرداند به جاهلیت باز گشته است. (بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۹۷)
- جمع بندی کلی جلسه
- عدم شناخت و معرفت نسبت به امام معصوم یکی از مهمترین عوامل حصول جاهلیت می‌باشد. اگر کسی امام زمان خود را نشناسد و نتواند با امام زمان خویش پیوند و رابطه داشته باشد به جاهلیت مبتلا می‌شود و زندگی جاهلانه ای دارد. وقتی که زندگی یک شخص جاهلانه شد، مرگ او نیز مرگ جاهلی است. چرا که ثمره و میوه زندگی جاهلانه، مرگ جاهلی می‌باشد. به همین خاطر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، مرگش مرگ جاهلیت است»
- اما اگر کسی پیوند معنوی با اهل بیت داشته باشد و در هر دورانی که زندگی می‌کند، امام زمان خودش را به خوبی بشناسد و به این نکته اعتقاد داشته باشد که آن حضرت بر تمامی اعمال و گفتارهای او احاطه دارد، از اعمال و رفتارهای جاهلانه گریزان می‌باشد.